

علی (ع) از همه لایقتر بود

در این بحث اجتماعی دینی با مشکل بزرگی رو برو هستیم اگر از مفاسدی که بر اثر سبناها و فیمای سراسر شروت انگیز آنها دانستیم جوانان شده بحث میکنیم از طرف مقامات مربوطه بما اعتراض میکنند ، اگر درباره اشکالات تمویب نامه انجمنهای ایالتی ولایتی از جنبه های مذهبی و اجتماعی گفتگو میکنیم باز ما ایراد میکنند ، حتی گاهی سخن بهای باریک در کده و گفتگوی توفیق سربله بمیان مبادا لذا فکر کردیم در این شماره بمناسبت میلاد مسعود امیر مؤمنان علی (ع) در پیرامون شخصیت آن حضرت کمی بحث کنیم به بینیم ایرادی ندارد ا



منظره واقف يك دریاى عظیم و پهناور برای کسانی که در آن شناورند درست روشن نیست ؛ ولی برای کسانی که بوسیله هواپیما بر فراز آب پرواز میکنند بمراتب آشکارتر است تاریخ پرغوغای زندگی بشر با آنچه نقاط درخشنده و تاریک نیز همچون دریای عظیمی است که گاهی طوفانی و پرغروش و زمانی آرام و خاموش است ؛ عالیترین گوشه های شاهوار و بی ارزشترین موجودات را در دل خود میپروراند ؛ ولی درك آن برای کسانی که در عصر يك حادثه زندگی میکنند کار آسانی نیست .

زیرا امواج وسیع تبلیغاتی روزگه بفتح صاحبان زور و زر بکار میافتد ؛ و دستگاههایی که هدفی جز منحرف ساختن افکار عمومی و سوق آنها در مسیرهای انحرافی و بیبره برداری بفتح مقاصد شوم صاحبان قدرت ندارند ؛ و بالاخره تمسبهای ناروا ، اغراض و حسابهای شخصی معمولاً در هر عصری مانع از اینست که شخصیت افراد آنچنان که هست منکس گردد . ولی هنگامیکه تاریخ يك عصر در هم پیچیده میشود و آن دستگاههای تبلیغاتی گمراه کننده همراه صاحبان آنها در زیر خاکها مدفون میگردد پرده از روی قیافه حوادن و اشخاص

برداشته میشود ویرانگه واقف خود جلوه گر میشوند . چه بسیارند دیوهای دشت سستی که در عصر خود در لایق تر شنگان خود نمایی میکنند و در در لابلای اورتی تاریخ خلع لباس کرده و همان قیافه خنثی و وحشتناک خود را نشان میدهند ؛ و نیز چه بسیارند افرادی شخصیت و پرورش که در عصر خود آنچنان که بودند شناخته نمیدهند و با گذشت زمان شعاع شخصیت آنها پرده های تاریک دستگاههای امری و آشافتنه و دراعمالی دلباهی صاحبان و افکار صاحب نظران نفوذ کرد ؛ بدین است افراد هر قدر بزرگتر باشند این موضوع در مورد آنها بسویست سادتری بروز میکند .



با توجه با این حقیقت جای تعجب نیست که شخصیت واقف فرزند رشید جهان انسانیت یعنی آن کسیکه دست قدرت خدا يك جهان مملو و متول را با یکدبا عاطفه و شجاعت در وجودش جمع آید و کمالترین نسخه جهان بشریت را بوجود آورده بود و نام گرامیش «علی» بود . بر بسیاری از افراد عصر حیات او درست روشن باشد .

اگر يك روز بر اثر تبلیغات ناچهارمردانه و شوم دستگاه امری خاندان اموی ؛ دوش علی (ع) جرمی شناخته میشد که دارنده آن بدون کوچکترین مجاز که محکوم باعدام بود و همانی با آن حضرت ساز و تنگن محسوب میشد ؛ امروز بندهام اما از بد فیروزه هب جفا و امانات تنفع الناس فی المسکت فی الارض اکتفای بر اندیش برودی ناپود میشود اما آب که با آن است مردم است پایدار میباشد) شعاع نورمند شخصیتش در میان اشعه افکار بر نور و سخنان پرمایه اش همه جا را روشن نموده و جهانی را غرق حیرت و تعجبین ساخته است .

اگر يك روز بنام گرامی اسلام (ص) درباره حضرتش میفرمود :

و علی از تمام پیروان من دانانتر است (۱) علی صدوق علم من است (۲) علی خازن علم من است (۳) علی باب علم من است (۴)

اگر در آن روزها فقط از او دانشمندی مانند ابن عباس ؛ شخصیت علمی و وسعت بی نظیر داش آن حضرت آشنائی داشتند و این حقیقت را آشکارا میپرده میگفت:

دعایم من و علوم تمام اصحاب محمد (ص) در برابر اثر علمیه دانش علی (ع) مانند قطاره ای است در برابر هفت دریا ؛ (۵)

۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ - این پنج حدیث در کتاب انبیا و ائمه بره جلد سوم صفحه ۹۶ از کتب بسیاری از اهل تسنن نقل شده است . کتاب القدر مکر از شاعر کلمی بزرگ عالمی و ادیب و تاریخی است که مسأله خلافت و افضل امیر مؤمنان علی (ع) را بمالیزین وجهی اثبات و تجزیه و تحلیل نموده است .



امروز تمام آنهایی که مختصر آشنائی با تاریخ اسلام و زندگانی آن حضرت دارند باین حقیقت متترفند که علی (ع) از نظر مقام علم و دانش بی نظیر بود. چشمه‌های علم و دانش از کوهسار وجودش می‌جوشید؛ و گوهرهای معرفت و حکمت از زبان او فرو میریخت در لابلای سخنان دلنشین و گرمش هزار نکته باریکتر ز موی بود، و در هر موضوعی سخن میگفت و با تمام حقایق یکسان آشنائی کامل داشت، اگر دیگران در رشته خاصی تخصص ناقص دارند او در تمام علوم تخصص کامل داشت زیرا سرچشمه علم او علم خدا بود.

اگر یک روز پینمبر اکرم (ص) در باره او میفرمود: «قضاوت و داری تو از همه حکیمانند تر و عادلانه تر است» (۱)

امروزه میگویند: تاریخ بشریت عادلتر و دادپرورتر از دلی و بخاطر ندارد؛ زیرا اگر میفرمود: لا یم الله لانصف من المظلوم من ظالمه و لاخذن الظالم بجزامته حتی آورده منهل الحق و لو کان کارها» (۲) (بخدا سرکند حق ستمدیده را از ستمگر میگیرم و ظالم را مهار کرده بر چشمه و آبگام حق میکشانم، اگر چه او نخواهد) عمل او نیز این حقیقت را بخوبی تأیید میکرد.

خلاصه امروز با کنار رفتن پرده‌های تاریک زمانهای گذشته از روی تاریخ زندگی آن حضرت چهره حقیقت چنان روشن شده که هر فرد با اطلاع و منصف میگوید: پس از پینمبر اکرم علی از همه لایق تر بود.

آری نه تنها مامسلمانان میگویند علی (ع) از همه لایقتر بود، بیگانگان و دور افتادگان هم میگویند: علی از همه لایقتر بود. دانشمند و متفکر معروف انگلیس «کارل لایب» میگوید:

د ما چاره‌ای نداریم جز اینکه علی را دوست بداریم و با او عشق بورزیم؛ چون امری بود شریف و بلند همت، از وجدانش نیکی و خیر خواهی می‌جوشید و از قلب گرم و سوزانش شعله‌های فروزان شهامت و حماسه زبانه میکشید از شیر شجاعتر بود اما شجاعی آمیخته با ماطنه و نرمش و لطافت و محبت داشت؛ آن، وطنی که شایسته بود جنگجویان صلیبی قرون وسطی داشته باشند؛ او را در کوفه ناچوان مردانه کشند ولی انگیزه این جنایت همان عدالت شدید او بود، تا آنجا که هر کسی را مانند خود عادل میدانست. (۳)

۱- نورالابصار صفحه ۷۱- این کتاب نوشته دانشمند معروف شیخ محمد شبلیجی است

۲- نهج البلاغه

۳- محمد المثالی الاعلی- نوشته کارل لایب که بقلم محمد السباعی بهربی ترجمه شده است.